

نه ایچی ایموتو
ترجمه هاشم رجب زاده

جشن فرا رسیدن خزان در ایران و ژاپن

پیش درآمد سخن از مترجم

خیزید و خزارید که هنگام خزان است باد خنک از جانب خوارزم وزان است آهنگ سرود پائیزی منوچهری که از فریب و فسون زیبایی خزان می گوید، پنداری در یاد و دل مردم زیبایی شناس ژاپن که مهرگان را همچنان جشن می گیرند و لطف خزان را ارج می نهند، هنوز در نواست.

ژاپنی ها پائیز را دل انگیزترین موسم سال می دانند، و هنگامی که درخت و گیاه جامه برگها را رنگارنگ می کنند و به هزار جلوه به دلبری می آیند، روانه دشت و دمن و باغ و بوستان می شوند. طبیعت هم در سرزمین خاستگاه آفتاب دست و دلبازی نشان داده و کوهسار را در هر گوشه و کنار از درخت و گیاه پوشیده است. برگهای درختان در پائیز یکباره فرو نمی ریزند، و بدرودی دیرپای و دلربای با چشمهای زیبایی نگر دارند.

جشن پائیزی ژاپن دنباله نورو باستان و جشن «اوبون» است که این یک اینک به تابستان افتاده است. مهرگان نیز در ایران باستان نوروزی دیگر بود؛

مهرگان نو درآمد بس مبارک مهرگان فال سعد آورد و روز فرخ و بخت جوان ازرقی

در این دیار دور خاورستان، این روزها با جشن «شوبون» به پیشباز پائیز می روند. «شوبون» یا «بون» کوچک روز بیست و سه ماه نهم برگزار می شود که روز آغاز پائیز به تقویم ایرانی است. مردم در این روز به سرگورنیاگان می روند و بر مزارشان گل و میوه می گذارند و یاد رفتگان را گرمی می دارند. هفته ای را که «شوبون» میان آن است، از سه روز پیش تا سه روز پس از این روز، هیگان

می گویند.

برای ایرانیان باستان نیز مهرگان روزی بزرگ و فرخنده بود، و یادگار فریدون و پیروز آمدن او بر ضحاک ستمکار

ای مهرگان زگاه فریدون نامدار تا گاه شاه یافتۀ خسروی هزار

عثمان مختاری

در آثار الباقیة بیرونی در سخن از «رام روزیا مهرگان بزرگ» می خوانیم: «روزیست و یکم (شهریورماه) رام روز است که مهرگان بزرگ باشد و سبب این عید آن است که فریدون به ضحاک ظفریافت و او را بقید اسارت درآورد و چون ضحاک را به پیش فریدون درآوردند، ضحاک گفت مرا به خون جدت مکش و فریدون از راه انکار این قول گفت آیا طمع کرده ای که با جم پسر و یجهان در قصاص همسر و قرین باشی بلکه من تو را به خون گاونری که در خانه جدم بود می کشم پس بفرمود تا او را بند کردند و در کوه دماوند حبس نمودند و مردم از شر او راحت شدند.» (ترجمۀ فارسی، ص ۲۹۲)

مهرگان باز آمد و بردشت لشکرگاه زد گنج خواه آمد که او هست از فریدون یادگار

خواست افریدون ز شاهان گنج و اینک مهرگان گنج فروردین همی خواهد زباغ و جویبار

امیر معزی

ارج مهرگان و جشن آن در میان ایرانیان به پایه ای بود که صدها سال پس از حمله و چیره شدن تازیان، هنوز این آیین را نگاهداشته بودند، چنان که نویسندگان درباره اش کتاب می نوشتند. ابن الندیم در الفهرست درباره ابوالحسن علی بن هارون از نویسندگان آورده است: «... او را دیدم و از او چیزهایی شنیده داریم. راویه (شعر) و شاعر و ادیبی ظریف و متکلم نیکوکاری بود... خود او به من گفت که در سال دو یست و هفتاد و هفت به دنیا آمده است و تا سال سیصد و پنجاه و دو که وفات یافت خضاب می بست، و هفتاد و شش سال عمر کرد. این کتابها از اوست: کتاب شهر رمضان برای راضی تألیف کرد. کتاب النوروز و المهرجان...» (ترجمۀ فارسی، ص ۲۳۸)

این بار نیز استاد ثه ایچی ایموتو، ایران شناس ارجمند ژاپن، استاد و رئیس بخش فارسی دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا، که راه و اندیشه پژوهش با فرهنگ سرزمین پارسیان و ارزشهای والای ایران باستان پیوسته است، به تلاشی تازه در بازشناختن زمینه و مایه جشن مهرگان و پیوند آن با آیین «هیگان» یا مهرگان ژاپن برآمده و فروغی نوبر همانندیهای رازگونه آداب و آیینهای مردم ایران و ژاپن افکنده است. پژوهش استاد ایموتو در باره مهرگان ایران و «هیگان» ژاپن دنباله بررسی جشنهای همسان در این دو سرزمین است که در بخش نخست آن به «رسم ژاپنی «اُرابون» از دیدگاه فرهنگ ایران» پرداخته بود و ترجمۀ آن را در شماره ۴ سال اول مجله ایران شناسی (ص ۷۴۱-۷۴۶) از نظر خوانندگان گذرانیدیم.

نوشته تازه استاد ایموتو در شماره ماه نهم سال ۱۹۸۹ مجله تحقیقی «دوهوه» به زبان ژاپنی آمده است. در برگرداندن این نوشته از یاری ارزنده خانم توریکو نی تی یا برخوردار بوده ام. نیز، برای بهتر آشنا شدن خوانندگان فارسی زبان به نکته ها و اشاره های سخن، یادداشتهایی به پایان مقاله

مجله ایران‌شناسی، سال دوم
افزوده‌ام. باشد که این سخن که «بوی جوی مولیان» دارد، یاد روزگار والایی ایرانشهر را در دل‌های بیدارزنده کند.

حافظ حدیث سحر فریب خوشت رسید تا حد مصر و چین و به اطراف روم و یری
هاشم رجب زاده
آبان ماه ۱۳۶۸، اوساکا

اینک مقاله:

ایرانیان باستان دو موسم اعتدال بهاری و پائیزی را بسیار گرمی می‌داشتند. بیرونی^۱ در سده یازده [میلادی] آثارالباقیه را نوشت. او که ستاره‌شناس، ریاضیدان، و فیلسوف بود، در کتاب خود می‌گوید: «اما آن دسته ایرانیان که به تأویل قائلند، برای این قبیل مطالب تأویل قائل می‌شوند و مهرگان را دلیل بر قیامت و آخر عالم می‌دانند به این دلیل که هر چیزی که دارای نمو باشد در این روز به منتهای نمو خود می‌رسد و مواد نمو از آن منتقطع می‌شود و حیوان در این روز از تناسل باز می‌ماند، چنان که نوروز را آنچه در مهرگان گفته شد بعکس است و آن را آغاز عالم می‌دانند و برخی مهرگان را بر نوروز تفضیل داده‌اند چنان که پائیز را بر بهار برتری داده‌اند...»^۲

«مهرگان» از واژه «میترا-کانا» (جشن میترا) آمده است. در روزگار هخامنشیان، میترا-کانا یا جشن میترا جشن همگانی بود. نوروز با اعتدال بهاری آغاز می‌شد، و جشن میترا با اعتدال پائیزی سر می‌گرفت.

از آن روزها، ایرانیان این ماه (مهر) را «میترا» می‌خواندند و روز شانزده هر ماه را (نیز) «روز مهر» می‌نامیدند. با گذشت روزگار، جشن میترا که عید ملی بود در روز مهر از ماه مهر برگزار شد.^۳ پیش از آن، در روزده ماه میترا (مهر) جشن بزرگ گرفته می‌شد. برابر سنگبسته‌ای در بیستون، داریوش شاه بر گئوماتای غاصب (بردبای دروغین) پیروز گشت و او را کشت و در روزده از ماه میترا (مهر) پادشاهی یافت. روز ۱ ماه مهر آغاز جشن بزرگ مهرگان و روز ۱۰ این ماه پایان آن بود. در این روز بود که گئوماتا به دست داریوش کشته شد و او تخت و تاج یافت.

برابر تقویم یهود، همین روز (دهم) از ماه تشری^۴ «یوم کیپور» است که روز کفاره گناهان است.^۵ مذهب شیعه در اسلام این روز را از یهود گرفت و دهم محرم که آغاز ماه قمری است. «عاشوراء» خوانده شد.^۶ مسلمانان شیعه در این روز برای شهادت حسین (ع) امام سوم شیعیان در روز ۱۰ محرم سال ۶۱ هجری عزاداری می‌کنند. در این روز، دسته‌ها و صفوف عزاداران بحرکت در می‌آید. نیز، یاد روز عروسی پسر نوجوانش،

علی اکبر را گرامی می دارند.

روز ده از نخستین ماه سال را هنگام آیین بزرگداشت نیاگان و باززاده شدن مردم، باروری و توارث می دانستند. این مردن و باز به دنیا آمدن و دوباره بارور شدن، میراث نیاگان بود.

در تقویم عربها، سال بر روی ماههای قمری می گردد، و این است که هر سال ۳۵۴ روز دارد. ماه دوازدهم سال قمری، موسم حج است، و این هنگام رفته رفته (در حدود یازده روز در سال) در فصول سال خورشیدی پس می رود. حضرت محمد که دین اسلام را آورد، افزودن بر سال قمری و کیسه کردن یک ماه را منع کرد.^۷ اعراب جاهلی «اول سال را در هر دو سال و یا در هر سه سال بر حسب تقدیمی که استحقاق داشت یک ماه کیسه می کردند»^۸ و ترتیب کار چنان بود که سال نو آنها هنگام اعتدال بهاری آغاز می شد (بنقل از کتاب «مکه» نوشته شین جی مائه جیما). رفتن به حج برای آنان معنی رفتن به «سرزمین حدیث» یا دنیای مردگان را داشت و موسم آن درست پیش از نو شدن سال و اعتدال پائیزی بود. اعراب جاهلی در این هنگام خون حیوانی را به معبود خود نیاز و آن را قربانی می کردند.

فصل تازه برای کشت و کار

بیرونی گفته است که در نوروز و هنگام اعتدال بهاری، درخت و گیاه جانی دوباره می گیرد و از مرگ زمستانی باز به زندگی می آید. اما در اعتدال پائیزی و مهرگان «هر چیزی که دارای نمو باشد... به منتهای نمو خود می رسد و مواد نمو از آن منقطع می شود».^۹ میان این دو، یعنی مرگ و باززاده شدن، مرزی نمی توان نهاد. اعتدال پائیزی به موسم رسیدن و درویدن غله نزدیکتر است، هر چند که برایمان چندان روشن نیست.^{۱۰} باز ایستادن دانه و گیاه از نمو با رشد و شکفتگی آینده آن پیوسته است.

به نوشته فریزر (Fraser) در کتاب «طلا و شاخسار» (ترجمه تا کوسکه تا کاهاشی - به ژاپنی -، نشر ایوانا می شوتن، توکیو)، در اروپا کسی را بجای روان درخت و نیز کسی را بجای روان غله می گشتند. این را قربانی دادن انسان می خوانیم. تقویم ایران باستان در آغاز، فقط تابستان و زمستان در یک سال داشت. اقوام هند و اروپایی نیز همین تقویم را می شناختند. آنها به دامپروری می گذرانند، و در کار ییلاق و قشلاق، این تقویم دو فصلی بسشان بود. اما پس از آن که اسکان یافتند، نخست

موسم بهار را شناختند و سپس خزان به قاموس آنها راه پیدا کرد. عرب‌های سامی یا یهود از زندگی چوپانی به شهرنشینی درآمدند. مردم ایران باستان هم در هنگام فرخنده‌اعتدال پائیزی از کوچ و شبانی به فلات ایران گام نهادند. مردم چین باستان هم آیین «هاچیسا» داشتند، که جشن پایان سال بود. در این روز، آنها جامه‌های آیینی می‌پوشیدند و این هنگام را که اعتدال پائیزی بود جشن می‌گرفتند. (نگاه شود به کتاب «آهنگ فصل» - *Rhythm of Season* - نوشته M. Granet). از این نام پیداست که اعتدال پائیزی به معنی گردش موسم و سال برای مردم کشاورز بود. برگردان فصل در اعتدال بهاری و در اعتدال پائیزی فقط در ایران و در ژاپن موسم ویژه‌ای شناخته می‌شد. در چین، چنین نبود. چنان که در کتاب «شیکی» آمده است در چین فقط در پادشاهی منچوری دوره‌ی سی‌چو^{۱۱} بود که پادشاه نیایشگاهی برپا می‌کرد و برای هفت روز به آن گاو و خوک نیاز و قربانی می‌کرد. این سخن در «سی‌چو» نوشته تاکابو موتونوری ما را از خانه کعبه در مکه یاد می‌آورد. هشت گذرگاه، از چهار سوی، به کعبه می‌رسید. در روز اعتدال پائیزی، بسوی هشت گذر این خانه که به چهارسو کشیده بود، نیایش می‌کردند.

«کنفوسیوس و شاگردش سه کی تن» نام آیینی است در بزرگداشت این حکیم فرزانه چینی و شاگردان او. این آیین نیز در روز اعتدال پائیزی برگزار می‌شد. در کتاب «گنگو جوکو هوءین» آمده است که در سده هفتم در روز اعتدال پائیزی امپراتور چین صورتکی به نمای دیو برچهره می‌گذاشت و ساقه کنف می‌جوید، و با این کار به وجد می‌آمد و سگانی را در مقبره نیایگانی نیاز و قربانی می‌کرد. از این نوشته برمی‌آید که موسم سال با اعتدال پائیزی ورق می‌خورد.

«کامی-نو-شوگو» یا گردهمایی خدایان

به نوشته «دای توو-سه ی ایکی کی»، که شرح تاریخی و سفرنامه‌ای است به آسیای میانه نگاشته گن جوو بسال ۶۵۴، راهبان بودایی هر پنج سال یک بار و بهنگام اعتدال پائیزی، همچنان که تندیسهای بودایی را با خود در جامه‌شان برداشته بودند، در برابر پیکره بزرگ بودا گرد می‌آمدند. می‌دانیم که خانه کعبه در مکه در سده هفتم میلادی بازساخته شد. پیش از آنهم که محمد (ص) اسلام را بیاورد، ۳۶۰ قبیله عرب با نزدیک آمدن اعتدال پائیزی^{۱۲} بت‌هایشان را بر شتران می‌نهادند و به نیایشگاه خود، کعبه، می‌آوردند (البته آنها، چنان که گفته شد، در هر سه سال قمری یک ماه به سال می‌افزودند). در کعبه، هُبل^{۱۴} جای داشت (این بت از مرمر سرخ ساخته شده بود و

خدای قبیله‌های عرب شناخته می‌شد). در این آیین، خدایان گوناگون پیرامون بت یا خدای بزرگ دیرین گرد می‌آمدند، چنان که در آذین‌بندی درخت کریسمس می‌بینیم که شاخه‌های درخت، به همین نشانه، با چراغهای گوناگون آرایش داده می‌شود.

امروزه در ایران و دیگر کشورها در روزهای جشن ملی با افروختن بسیاری چراغهای برقی چراغانی می‌کنند. در چین در روزگار امپراتوران «تو» ۱۵ با آویختن فانوس چراغانی می‌کردند. در آن‌جا رسم بود که مردم در شب پانزده ماه اول گرد هم می‌آمدند و شب را با دیدن چراغانی بخوشی می‌گذراندند. این رسم به ایران راه یافت (به نوشته ایشیدا کاتوسکه در کتاب «بهار چو-آن»، نشر هه‌ی بونشا). روز پانزده ماه اول سال همزمان بود با شانزده ماه مهر (میترا) در ایران، که نوروز کوچک بود، و این روز را مردم شادمانه جشن می‌گرفتند.

در ژاپن، در سال ۸۳۲ از دوره هیان ۱۶ در روز ۲۲ ماه هشتم سال برابر تقویم قمری، کوکای (یا، کوه‌بوه دایشی؛ از پیشوایان آیین بودا در ژاپن) به نشانه بخشایش خواستن از گناهان، فانوسهای آویختنی (از کاغذ) در (معبد) کوه کوئویا نیاز کرد. این آیین، «ماندوئه» نام گرفت. کوکای نیایش کرد و از معبود خود، «دای نیچی نیولای» آرزو خواست که فروغ معرفت را در یابد. برابر تقویم قلمی قمری، روز ۲۲ ماه هشتم نزدیک به اعتدال پائیزی بود. «دای نیچی نیولای» همگونی و پیوندی با میترا (الهه آفتاب) و اهورامزدا (خدای بزرگ آیین زرتشت) داشت. از این‌جا دریافته می‌شود که «ماندوئه» شاید که «مهرگان» ژاپن باشد.

اعتدال پائیزی برای کشاورزان رویداد مهمی بود. چمبرلین (ژاپن شناس انگلیسی) ۱۷ هم می‌گوید که روز پانزده ماه هشتم در تقویم قدیم ژاپن با موسم آیینی درو و برداشت محصول در انگلیس همزمان بوده است (به نقل از نیهون جیبوچوشی). در چین نیز رسم «شانچی» یک جشن کشاورزی بود.

یادداشتها:

- ۱- ابوریحان بیرونی، زاده ۳۶۰ هجری در خوارزم و درگذشته ۴۴۰ در غزنه.
- ۲- بنقل از ترجمه آثار الباقیه ابوریحان بیرونی، بقلم اکبر داناسرشت، نشر ابن سینا، تهران، ۱۳۵۲، ص ۲۹۱.
- ۳- روز مهر و ماه مهر و جشن فرخ مهرگان مهر بیفزای ننگار مهر چهر مهریان در آثار الباقیه آمده است: «مهر ماه روز اول آن هرزده روز است و روز شانزدهم مهر است که عید بزرگی است و به مهرگان معروف است که خزان دوم باشد و این عید مانند دیگر اعیاد برای عموم مردم است و تفسیر آن دوستی جان است و گویند که مهر نام آفتاب است و چون در این روز آفتاب برای اهل عالم پیدا شد این است که این روز را

مهرگان گویند و دلیل بر این گفتار آن است که از آیین ساسانیان در این روز این بود که تاجی را که صورت آفتاب را
 او بود برمی گذاشتند...» (ص ۲۹۰).

۴ - «سی روز است و یک غره بیشتر ندارد... روز اول تشری عید آغاز سال است.» (همان جا، ص ۳۷۱).

۵ - بیرونی می نویسد: «در روز دهم این ماه (تشری) روز کیور است که آن را عاشورا می گویند و آن روزه‌ای
 است که از میان روزه‌های دیگر فرض واجب است... و در این روز خداوند با موسی بن عمران تکلم کرد و روزه این
 روز برای هر گناهی که بغلط صادر شده است کفاره است.» (همان جا، ص ۳۷۳-۳۷۴).

۶ - نویسنده آثار الباقیه می گوید: گفته اند که عاشورا کلمه‌ای است عبرانی و معرب یعنی عاشور که دهم تشری
 یهود باشد که روزه آن روز کیور است و چون این روز را به ماههای عربی نقل کردند در روز دهم اولین ماه اعراب شد
 چنان که در ماههای یهود هم در اولین ماه و روز دهم است و روزه این روز در سال اول هجرت بر مسلمانان واجب بود
 سپس صوم شهر رمضان که واجب شد و پس از آن بود این حکم را نسخ کرد.» (ص ۴۵۳).

۷ - نیز بیرونی می نویسد: «عرب در جاهلیت این ماهها (قمری) را مانند مسلمانان استعمال می کردند و حج
 ایشان در زمانهای چهارگانه دور می زد و سپس خواستند که حج را به هنگامی بیندازند که... همیشه به یک حال بماند
 و در بهترین ازمه و خرمترین اوقات باشد بدین سبب از همسایگان خود یهود قریب به دو است سال پیش از اسلام
 کیس را یاد گرفتند. همین طور که یهودیان تفاضل سال خود را با سال خورشیدی بهنگامی که [به] یک ماه می رسد
 در آخر سال قمری قرار می دادند ایشان هم چنین کردند... و این کار را نسی می نامیدند... تا آن که پیغمبر (ص)
 هجرت کرد... نسی به شعبان رسیده بود و آن را محرم نامیده بودند و شهر رمضان را صفر خوانده بودند و پیغمبر منتظر
 حجة الوداع شد و برای مردم خطبه‌ای خواند و چنین فرمود «الزمان قد استدار کهنه یوم خلق السموات والارض» یعنی
 ازمه و ماهها به مواضع نخستین خود بازگشتند و کاری را که عرب با ماهها می کردند از میان رفت از این رو
 حجة الوداع را حج اقوم گویند یعنی نسی حرام شد و از بین رفت.» (همان جا، ص ۹۳-۹۴).

۸ - همان جا، ص ۹۳.

۹ - همان جا، ص ۲۹۱.

۱۰ - «... و بدین جهت برای آغاز سال انقلاب صیفی را انتخاب کردند که انقلابین را از اعتدالین بهتر می شود...
 اطلاع یافت... پس انقلابین به نسبتی که گفتیم از اعتدالین برای ابتدای سال بهتر است و چون انقلاب صیفی به
 سمت الراس مردم شمالی نزدیکتر است از این رو ایرانیان آن را برگزیدند و از انقلاب شتوی چشم پوشیدند. نیز، هنگام
 انقلاب صیفی غلات بدست می آید پس برای این که خراج از رعیت بگیرند از انقلاب شتوی بهتر است.» (همان جا،
 ص ۲۸۱-۲۸۲).

۱۱ - سده هفده میلادی.

۱۲ - «شهور عربی (در جاهلیت) همواره بر فصول چهارگانه تقسیم بود و از پائیز شروع می شد که آن را ربیع
 می نامیدند سپس نوبت شتا می رسید و پس از آن نوبت ربیع می شد و آن را صیف نیز می نامیدند... و آن گاه نوبت
 تابستان می رسید که آنرا قیظ [می] نامیدند...» (بیرونی، همان جا، ص ۴۴۳-۴۴۴).

۱۳ - «ماههای تازیان دوازده است و چون هر سه سال یک ماه کیسه می کردند همواره با سال خورشیدی
 مطابق می شد.» (همان جا، ص ۴۴۳).

۱۴ - «هیل (عربی) (بضم ها و فتح با) بتی بوده که در کعبه که پیش از ظهور اسلام آن را پرستش می کردند»
 (فرهنگ عمید). هم در نوشته بیرونی می بینیم: «... و مانند بنی اسماعیل از تازیان که به ساختن کعبه به دست
 ابراهیم و اسماعیل تاریخ می گذاشتند تا آن که پراکنده شدند و از تهامه بیرون رفتند و... تاریخ طول کشید و به سال
 ریاست عمرو بن ربیع که معروف به عمر بن لحنی است تاریخ نهادند و این مرد کسی است که می گویند دین ابراهیم
 را تبذیل داد و از شهر بلقاء بت هیل را آورد... و چنان که نقل کردند در عهد شاپور ذوالاکتاف بود...» (بیرونی،

همان جا، ص ۵۵).

۱۵ - سلسله «تو» یا «تانگ» که میان سالهای ۶۲۰ و ۹۰۷ در چین پادشاهی داشت.

۱۶ - دوره تاریخی ژاپن میان سالهای ۷۹۴ و ۱۱۸۵ میلادی.

۱۷ - Basil Hall Chamberlain با کتاب معروف خود بنام «چیزهای ژاپنی *Japanese Things* که نزدیک به

یک قرن پیش نوشت، شاید که شهره ترین پیشاهنگ ژاپن شناسان باختری باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی